

کلیات صائب تبریزی معرفی نسخه‌ای خطی از مجموعه استاد جعفر سلطان القرانی

به کوشش محمد امین سلطان القرانی

نگارش مطلب در مورد این نسخه تازگی ندارد، ولی غرض از تحریر این مقال، برجسته ساختن مختصات، زوایا و مطالبی مربوط به آن است که به آنها یا پرداخته نشده یا کمتر در موردشان نوشته و گفته شده است.

عاشقین (۱) گوز یاشینه رحم ایله مز (۲) اول آفتاب

آغلاماق (۳) ایلن آپارماز اود الیندن جان کباب

باش وئرنده (۴) خنجر سیرابینه (۵) یتمز منه (۶)

گرچه سانیر (۷) اؤزونی باشدان گئچنلر دن حباب

ایچدی قانلار (۸) اول ستمگر تا کباب ائتدی منی

چکدی اوددان (۹) انتقامین (۱۰) دونه دونه بو کباب

خاک اولدوم اول کمان ابرو اوخین (۱۱) صید ائتمگه (۱۲)

بیلمدیم (۱۳) کوک یاییدن دوشمز (۱۴) یئره تیر شهاب

گر دوتوشسا (۱۵) آتیش رخساریلن یئرینده دور

ایلسون عاشقلر ایله (۱۶) نئچه اوزسیزلیق (۱۷) نقاب

شفقت ایلن (۱۸) بیبر کره باشین گوتور توپراقدن (۱۹)

نیجه یولوندا (۲۰) شفقدن (۲۱) ترلسون (۲۲) قان آفتاب

فارغم سنگ ملامت ایچره جور چرخدن (۲۳)

نیلسون گوهرده اولان (۲۴) سویسه موج انقلاب

عقلی عشق ائتمک سوز ایلن سهل و آسان گورونور

باش آغاردی (۲۵) نافه نین (۲۶) تا قانین (۲۷) ائدی مشک ناب

سایمسه (۲۸) هر کیم فناندنیاده موجوداؤزونوی (۲۹)

داخل جنت اولور محشرده صائب بی حساب

سخن گفتن در مورد صائب تبریزی، راجع تولد، وفات و حیاتش مجالی جداگانه می‌طلبد که البته زیاد به آن پرداخته شده است، ولی هر گاه سال وفاتش را سال ۱۰۸۷ قمری - که عده‌ای از تذکره نویسان بر آن اتفاق قول دارند - در نظر بگیریم، با ملاحظه تک بیت خود شاعر که «دو اربعین به سرآمد ز زندگانی من / هنوز در خم گردون شراب نیم‌رسم»^۱، نتیجه می‌گیریم که سنوات حیات شاعر بیش از هشتاد (دو اربعین) بوده است. از این موضوع بدین نحو باید نتیجه‌گیری شود که سال تولد شاعر بایستی سنوات ۷-۱۰۰۶ قمری یا سنوات نخستین قرن یازدهم (یا حتی اواخر قرن دهم) باشد و با در نظر گرفتن اینکه تبریز از سال ۹۹۳ قمری تا ۱۰۱۲ قمری (سال فتح دوباره تبریز توسط شاه عباس صفوی)، حدود بیست سال تحت سیطره و حکومت عثمانی قرار داشته است^۲ و کوچاندن ارباب صنایع، صاحبان حرف، تجار و اهل هنر و قلم و ادب (از جمله کوچ خانواده صائب) از تبریز به عباس آباد اصفهان توسط شاه عباس صفوی نیز بعد از فتح تبریز در سال ۱۰۱۲ قمری صورت گرفته است؛ لازم می‌آید که تولد صائب تبریزی قطعاً در تبریز و در زمان سیطره عثمانی‌ها بر تبریز اتفاق افتاده باشد.

اشعار و ابیاتی نیز در ثبوت ادعای فوق از زبان خود شاعر در دست است:

«صائب» از خاک پاک تبریز است هست سعدی گر از گل شیراز

در بهار سرخ رویی هم چو جنت غوطه داد فکر رنگین تو «صائب» خطه تبریز را

۱. احمد گلچین معانی، فرهنگ اشعار صائب، جلد اول، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۳۴.

۲. اسکندر بیک منشی، عالم آرای عباسی، ص ۶۳۹.

تأقیامت گر به من «صائب» بنازد دور نیست / کی چو من آتش زبانی کشور تبریز داشت

ز حسن طبع تو «صائب» که در ترقی باد / بلند نام شد از جمله شهرها تبریز
همچنین ابیات بسیاری نیز در بیان تعلقات شاعر نسبت به زادگاهش در دست است که به علت احتراز از اطناب کلام، از پرداختن بدین موضوع اجتناب می شود.

الدن پیچارام (۳۰) زلف پریشانینی (۳۱) گورجک (۳۲)	ایشدن گندرم (۳۳) سرو خرامانینی (۳۴) گورجک
سوسیزلارا (۳۵) گر جان آخیدور (۳۶) چشمه حیوان	من جان وئریرم (۳۷) چشمه حیوانینی (۳۸) گورجک
گر باغلاماسون (۳۹) ائل گوزینی (۴۰) شرم عذارین (۴۱)	جاندان کسلیور خنجر مژگانینی (۴۲) گورجک
ریحان که نزاکت تو کولوردی (۴۳) قلمیندن (۴۴)	خط تیره (۴۵) چکر زلف پریشانینی گورجک
بلبل که گلون (۴۶) لعل لیبندن (۴۷) سؤز آیردی (۴۸)	دیلی دولاشور غنچه خندانینی (۴۹) گورجک
رضوان که بهشتین (۵۰) یمیشی گوزینه گلمز	دیشلر الینی سیب زخندانینی (۵۱) گورجک
تردن خط ریحان ورقین پاک سیلیدیر (۵۲)	نقاش گلستان خط ریحانینی (۵۳) گورجک
گلرنگ اولور صبح اتگی قانلو تریندن	خورشید عذار عرق افشانینی (۵۴) گورجک
مژگانی (۵۵) اولوب قانلو یاشیندان (۵۶) رگ یا قوت (۵۷)	صائب لب لعل گهر افشانینی (۵۸) گورجک

همان طور که از عنوان مقاله نیز برمی آید، هدف از نگارش آن معرفی کلیات صائب تبریزی از مجموعه استاد علامه جعفر سلطان القرایی است. چندین غزل از بخش غزلیات ترکی آن کلیات با مقابله نسخه خطی ضمن مقاله آورده می شود. صورت نوشتاری کلیات و عباراتی که با متن غزل متفاوت هستند، در بخش پی نوشتها (در آخر این مقاله) آورده شده است. تعداد غزلیات ترکی کلیات ۱۷ و قطع نسخه، سلطانی بزرگ است که ۱۷ غزل مذکور در سه صفحه آن نگاشته شده است.

کلیات صائب تبریزی مورد بحث این مقاله، شامل قصاید، غزلیات، مفردات، متفرقات، مطالع، مثنویات و ۱۷ غزل ترکی یاد شده، شامل حدود هفتاد هزار بیت، مجدول، مذهب و دارای پنج سر لوح زیبا است که اغلب آسیب دیده اند.

این نسخه نفیس روی کاغذ هندی و به نستعلیق هندی نوشته شده و خود شاعر این نسخه پر بها را دیده و خاتمه دو بخش آن را با عبارت «بلغ... صائب» امضاء نموده است. ظاهراً این نسخه در اصل اوراق و ابیات بیشتری داشته و بعدها به وضع آشفته، به دست یکی از متمکنین و راجه های هند رسیده و به دستور وی استاد ماهر، مجموعه را مرمت نموده و جلدی از پوست اسب بر آن گرفته است.

جلد این نسخه کم نظیر، دو رویه تزئین گردیده است. رویه بیرونی آن از پوست اسب به رنگ قهوه ای روشن و با ته چرمی معمولی به همان رنگ ساخته شده است و رویه آن ضربی طلاایی با حاشیه بند رومی طلائی است که داخل حاشیه ترنجی زیبا و در وسط ترنج شکل طاووسی به طرز بدیعی نقش بسته است. رویه داخلی نیز به همان شکل، ولی روی کاغذ ابری با حاشیه طلاایی کمربندی (بند رومی) و ترنج در

وسط تعبیه شده و داخل ترنج به جای شکل طاووس، عبارت طیبه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» نوشته شده است.

این نسخه پر ارزش که کامل‌ترین نسخه موجود یا حداقل جزء کامل‌ترین نسخ موجود است (برگرفته از مقدمه آقای میر ودود سید یونسی بر دو دیوان صائب به خط خود شاعر چاپ شده به سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی) دارای ۶۱۵ برگ است و هر صفحه در چهار ستون با ۵۸ سطر نوشته شده (هر برگ ۱۱۶ سطر) و حدود هفتاد هزار بیت را شامل می‌شود. در اوراق الحاقی آغاز نسخه نیز به زبان انگلیسی نوشته‌اند که ملک الشعراء (صائب) نسخه را دیده و امضاء نموده و نسخه بیش از شصت هزار بیت را داراست.

نه احتیاج که ساقی و نره^(۵۹) شراب سنه^(۶۰) که اوژ^(۶۱) پیاله سینی وئردی آفتاب سنه
 شراب لعلی ایچون توکمه آبرو زنه‌ار که^(۶۲) دمبدم لب^(۶۳) لعلین^(۶۴) وئورور شراب سنه
 اگر ویرام^(۶۵) داشه پیماننه نی گئچور مندن^(۶۶) شرابیدن نئچه گوز تیکسه هر حباب سنه
 قورومتما^(۶۷) ترلی عذارین^(۶۸) ایچیننده باده ناب که گل کیمی^(۶۹) یاراشور چهره پر آب سنه
 شرابیدن نه عجب اولماسون^(۷۰) اگر سرخوش بو آتشین یوزایلن کیم دوتار^(۷۱) سنین^(۷۲) اتگین^(۷۳)
 دئدوم^(۷۴) چیخاره^(۷۵) سنی خط حجابدن، غافل حلال اکلر^(۷۶) قانینی^(۷۷) تا یئتر^(۷۸) کباب سنه
 که خط غباری اولور^(۷۹) پرده حجاب سنه که داغ عیب اولور^(۸۰) خال انتخاب سنه
 سنین^(۸۱) صحیفه^(۸۲) حسنون^(۸۳) کلام صایب دور نسخه مورد بحث که دارای قطع ۲۷×۳۸ سانتی متر است، به ترتیب مشتمل بر بخش‌های قصاید، مثنویات، غزلیات فارسی، مطالع، غزلیات ترکی و متفرقات است. بخش نخستین کلیات، بخش قصاید، با ابیات ذیل شروع می‌شود:

ای سواد عنبرین فامت سویدای زمین مغز خاک از نکهت مشکین لباس نافه چین
 موجه ای از ریگ صحرایت صراط المستقیم رسته‌ای از تار و پود جامهات حبل المتین
 غنچه پڑمده‌ای از لاله زارت شمع طور قطره افسرده‌ای از زمزمست در ثمین
 و با این ابیات پایان می‌یابد:
 بر زبان خامه صایب به توفیق اله
 «باد یا رب قبله گاه سرفرازان جهان»
 با تو و خورشید تابان شمسه این نه رواق
 ابتدای این بخش با سر لوح بزرگ و زیبایی که با لفظ جلیله «بسم الله الرحمن الرحیم» مزین شده، آراسته گردیده است. سرلوح قدری آسیب دیده و در صفحات مابعد نیز آسیب دیدگی وجود دارد. در مصراع اول بیت ما قبل آخر سه بیت فوق، افساد کاتب وجود دارد؛ کلمه «جهان» به جای کلمه «زمان». با قراردادن «زمان» به جای «جهان» از طریق حساب ابجد یا حساب جمل، ارزش عددی این مصراع معادل تاریخ

۱۰۸۰ قمری می‌شود. اما ارزش عددی مصراع دوم همین بیت برابر ۱۰۸۱ قمری است؛ البته بزرگان مادّه تاریخ گوی یک سال (حتی دو سال هم) اختلاف را جایز دانسته‌اند، چنان که در مورد تاجگذاری دوم شاه صفی ثانی و تغییر نام خود از شاه صفی به شاه سلیمان؛ مصراع دوم بیت:

کلک صائب پی تاریخ نوشت: «شد سلیمان زمان شاه صفی»

از یک قطعه شعر پنج بیتی صائب تبریزی، حاوی سال ۱۰۷۹ قمری است. در صورتی که سال اتفاق تاریخی مذکور را ۱۰۸۰ قمری نوشته‌اند.^۱ علاقه مندان در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر در این مورد می‌توانند به مقاله نگارنده این سطور که در شماره یازدهم (پائیز ۱۳۸۵) فصلنامه سه علامه دانشگاه تبریز چاپ شده، مراجعه فرمایند.

بخش دوم نسخه مورد بحث، بخش مثنویات با ابیات:

خدیو جوان بخت عباس شاه	برازنده تاج و تخت و کلاه
به نظم ممالک برآورد دست	چو بر تخت فرمانروایی نشست
به فرمان بری کار فرماندهی	نسق کرد از عالم آگهی
	آغاز شده و با این ابیات خاتمه می‌پذیرد:

سپرهای چو برگ خزان زرد شد	دل و دست جنگ آوران سرد شد
به صد چشم می جست راه گریز	ز ره پوش از آن عرصه پر ستیز
جز انگشت زنه‌ار دیگر علم	نماند از صف دشمنان یک قلم

بخش مثنویات شامل مثنوی رزمیه قندهارنامه با تعداد ابیات ۱۶۳ بیت است. در ابتدای این بخش، جدول کوچکی جهت پردازش سر لوح فراهم شده، ولی در آن محل سر لوح پرداخته نشده است.

بخش سوم، شامل غزلیات فارسی است که قسمت اعظم کلیات مورد بحث را تشکیل می‌دهد و با غزل معروف صائب تبریزی شروع می‌شود:

نگشتی تا قیامت نوخط شیرازه دیوان‌ها	اگر نه مدّ بسم‌الله بودی تاج عنوان‌ها
به گردِ خویشتن از وسعت مشرب بیابان‌ها	نه تنها کعبه صحرائی است، دارد کعبه دل‌هم
تهی سازید از سنگ ملامت جیب و دامان‌ها	سر شوریده‌ای آورده‌ام از وادی مجنون
اگرچه صورت مقراض لا دارد گریبان‌ها	به فکر نیستی هرگز نمی‌افتند مغروران
که آخر می‌شود خار سر دیوار مژگان‌ها	نمی‌بینی ز استغنا به زیر پا نمی‌دانی
که جز من می‌رساند در سفال خشک ریحان‌ها	گلستان سخن راتازه رو دارد لب خشکم
که مرغان این سخن دارند با هم در گلستان‌ها	چنان از فکر صائب شور افتاده است در عالم

۱. محمد جواد مشکور، تاریخ ایران زمین، تهران، انتشارات اشراقی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۲.

و با این بیت پایان می‌پذیرد:

قابل افسوس نبود دوری افسردگان
رگ خون مرده را صائب نباشد قائمی

در ابتدای بخش غزلیات فارسی، سرلوح بزرگ و زیبایی پرداخته شده است. این صفحه کلاً اعم از نوشته‌های مخطوط و سرلوح آن آسیب دیده است. کاغذ آن بازسازی شده و قسمت مرکزی سرلوح جهت ترمیم خالی شده، ولی ترمیم آن انجام نگرفته است. همان طوری که گفته شد، صائب تبریزی نسخه را دیده و آخر بخش غزلیات فارسی را به رقم «تم ... بلغ... صائب» امضاء نموده است. تصویر این رقم ضمن مقاله آمده است.

بخش چهارم، بخش مطالع با این ابیات شروع می‌شود:

حسرت اوقات غافل چون ز دل بیرون رود
داغ فرزند است این چون رفت از دل خون رود

کجا اندیشه عقباست عقل ذوفنونت را
که دارد فکر نان و جامه، بیرون و درونت را

و با بیت زیر، تمام می‌شود:

موی سفید صبحدم جان غافل است
قد خمیده صیقل آیینه دل است

در ابتدای این بخش سرلوح بزرگ، ملیح و زیبایی تعبیه شده که سالم مانده، با ظرافت و شکوه خودنمایی می‌کند. پایان این بخش را هم صائب تبریزی پس از ملاحظه، با رقم «تم... بلغ... صائب» امضاء نموده است. تصویر این رقم نیز ضمن مقاله خواهد آمد.

بخش پنجم، بخش غزلیات ترکی است که با این بیت آغاز می‌شود:

نه احتیاج که ساقی و نره شراب سته
که اوز پیاله سینی وئردی آفتاب سته

و با ابیات اختتام می‌پذیرد:

بیز نه ایمدی ذره تک جولانه گلمیشلرده نوز
آفتاب عشق ایلن دورانه گلمیشلرده نوز

گون گنجیر مکدور حسابی شاهد اگریلیغ ایچون
دوغرولینغان بیز بوگون دیوانه گلمیشلرده نوز

سانه روز باران رحمت گر قیلیچ گو یدن یاغار
قوچ کیمی قربان ایچون میدانه گلمیشلرده نوز

ابتدای غزلیات ترکی با سرلوحی ظریف و ملیح به صورت بایسته، آراسته گردیده است. همان طور که در اوایل گفتارمان نیز مذکور افتاد، بخش غزلیات ترکی شامل ۱۷ غزل ۱۳۰ بیتی است و در سه صفحه نگاشته شده است. تصاویر سه صفحه یاد شده، ضمن مقاله آورده می‌شوند.

بخش ششم یعنی آخرین قسمت کلیات مورد بحث، شامل متفرقات است. بخش متفرقات با ابیات ذیل شروع می‌شود:

مرا یاور پذیر این نعره مستانه ما را
مکن نومید از حسن قبول، افسانه ما را

در آن درگه که چون برگ خزان انجم فرو ریزد
به آب روی رحمت سبز گردان دانه ما را

زمین مرده احیاء کردن آئین کرم باشد چراغان کن به داغ خود دل دیوانه ما را
 و در نهایت با این ابیات پایان می‌پذیرد:
 گه لب لعلش دهد دشنام و گه تحسین کند هر نفس خود را به رنگی در دلم شیرین کند
 دانی از خارا بریدن مطلب فرهاد چیست؟ می‌کند مشقی که چون جا در دل شیرین کند
 در ابتدای بخش متفرقات نیز سر لوح بزرگ و زیبایی مهیا شده و سر لوح آسیب دیده و قسمت داخل
 آن، جهت ترمیم آماده گشته، اما ترمیم آن صورت نگرفته است.
 صفحات یا اوراق پایانی واپسین بخش نسخه، افتاده است. در بالای صفحه ما قبل آخر نسخه، شماره
 ورق (شامل دو صفحه) ۶۱۵ ثبت شده است. احتمالاً از داخل نسخه نیز اوراقی افتاده باشد.

اولمادی^(۸۵) خورشید دن داغلاردا^(۸۶) رنگین قاشلار^(۸۷)
 گوردیلر^(۸۸) لعل لیلین^(۸۹) قان ترلدیلر^(۹۰) داشلار
 قیلدی پیدا حکم تقویم کهن^(۹۱)، گل دفتری
 آچدیلار^(۹۲) تا چهره دلداریمی^(۹۳) نقاشلار
 قیلمادیلار^(۹۴) سینه افکاریمی^(۹۵) آماجگاه
 اسکیک^(۹۶) اتدیلر^(۹۷) بیزیملن^(۹۸) اول مقوس قاشلار
 عاشق صادق^(۹۹) ییلور سنگ ملامت قدرینی
 مخزن سلطانه لا یقدر بویارار داشلار^(۱۰۰)
 گون دوننده ائل دندوم^(۱۰۱) ترک اتمسون یولداشلیغ
 چون قارا اولدی گونوم^(۱۰۲)، یاد اولدولار^(۱۰۳) قارداشلار^(۱۰۴)
 یول اگر حقدور، چکر یول سیزدان^(۱۰۵) آخر انتقام
 یوله تا پشور چیخدیلار^(۱۰۶) یولدان اگر یولداشلار^(۱۰۷)
 اولدی مغلوب هوای نفس، استیلائی عقل
 آدییلار حاکم الیندن اختیار اوباشلار
 چون کونول^(۱۰۸) بی نور اولور، مطلق عنان اولور هوس
 قاش قرالانده^(۱۰۹) چیخارلار^(۱۱۰) یووادان خفاشلار
 مهربان اولماز^(۱۱۱) نسیم صبحدم هرگز سنه^(۱۱۲)
 شمع تک تا تو کمسن صائب گوزیندن^(۱۱۳) یاشلار

امید است با مقابله تمام نسخ مخطوط موجود و تهیه کلیات انتقادی، پنجره نوین و تازه‌ای بر زندگی، ادبیات، دیوان و اشعار فارسی و ترکی صائب تبریزی برای همگان گشوده شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- عاشقنک ۲- ایلمز ۳- یغلماق ۴- ورنده ۵- سیرابنکا ۶- منکا ۷- صائر ۸- قانلر ۹- اودون
۱۰- انتقامنک ۱۱- اخونک ۱۲- اتمکا ۱۳- بیلمدوم ۱۴- دشمز ۱۵- توتوشسا ۱۶- ایلن ۱۷- یوز سیزلیغ
۱۸- آیله ۱۹- تپراغدن ۲۰- یولونده ۲۱- شفقندنک ۲۲- ترلسونک ۲۳- چراغیدن ۲۴- اولن ۲۵- آفاردی
۲۶- نافه ننک ۲۷- قانن ۲۸- صایمسه ۲۹- اوزینی ۳۰- جیقارم ۳۱- پریشانکی ۳۲- کورکج ۳۳- کیدرم
۳۴- خرامانکی ۳۵- سوسیزلاره ۳۶- اقدیدور ۳۷- ویرورم ۳۸- حیوانکی ۳۹- باغلمسون ۴۰- کوزنی
۴۱- عذارونک ۴۲- مژکانکی ۴۳- توکلوردی ۴۴- قلمندن ۴۵- بره ۴۶- کلنک ۴۷- لبندنک ۴۸- آلوردی
۴۹- خندانکی ۵۰- بهشتنک ۵۱- زنخدانکی ۵۲- سیلیدور ۵۳- ریحانکی ۵۴- افشانکی ۵۵- مژکان
۵۶- یاشندن ۵۷- یاقوۑ ۵۸- کهرافشانکی ۵۹- ویره ۶۰- سنکا ۶۱- اواز ۶۲- افتاده است ۶۳- افتاده است
۶۴- لعلنک ۶۵- اورم ۶۶- سندن ۶۷- قورتمه ۶۸- نوعذاران ۶۹- کبی ۷۰- اوالماس ۷۱- دزلو ۷۲-
دوتر ۷۳- سنک ۷۴- اتکن ۷۵- ایلر ۷۶- قاننی ۷۷- یتر ۷۸- دیدوم ۷۹- چقاره ۸۰- آلور ۸۱- سنونک
۸۲- صفحه ۸۳- فنونک ۸۴- اولر ۸۵- اولمدی ۸۶- داغلارده ۸۷- قاشلر ۸۸- کوردیلار ۸۹- لبینک
۹۰- ترلادیلار ۹۱- کهن سالا ۹۲- آچدیلر ۹۳- دلدارمی ۹۴- قیلمدیلار ۹۵- افکارمی ۹۶- اکسوک
۹۷- اتدیلار ۹۸- بیزیملانک ۹۹- حاذق ۱۰۰- قاشلر ۱۰۱- دیدم ۱۰۲- گونم ۱۰۳- اولدیلار ۱۰۴- قرداشلر
۱۰۵- یولسیزدن ۱۰۶- چقدیلار ۱۰۷- کولداشلر ۱۰۸- کونکل ۱۰۹- قرالنده ۱۱۰- چقارلار ۱۱۱- اولمز
۱۱۲- سنکا ۱۱۳- کوزوندن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





کلیات صائب تبریزی
کتابخانه ملی ایران

پیام بهارستان / ۲۵، ش ۱۹ / بهار ۱۳۹۲







پیام بهارستان / ۲۵، س، ش ۱۹ / بهار ۱۳۹۲